

## یک مرور اجمالی تاریخی بر مکتب آموزش ترویج در ایران

دکتر اسماعیل شهبازی

استاد گروه آبادانی روستاها، پارک علمی و تحقیقاتی، دانشگاه شهید بهشتی، پردیس ۱

dr.ismail\_shahbazi@yahoo.com

خدمات ترویجی اساساً یک فعالیت تعلیماتی و تربیتی مبتنی بر آموزش برای خود - یاری و هم - یاری از طریق مشارکت افراد درگیر در این فرایند است. این مکتب آموزشی در اصل برای به کار بستن در فرایند توسعه کشاورزی در ایران پذیرفته شده است و سر نوشت آن را عمدتاً می توان در مراحل زیر نام برد: (۱) مرحله تأسیس، (۲) مرحله اشتغالات آموزشی، (۳) مرحله درگیری های اجتماعی، (۴) مرحله درگیری های فنی، (۵) مرحله تجدید سازمان و همسان سازی. در اولین مرحله از تکامل، این مکتب کارائی و اثرگذاری خود در نشر دانش و مهارت های نوین عملی در بین کشاورزان روستائی در سرتاسر کشور را به اثبات رسانید. و به سبب همین پی آمدهای مثبت و موفقیت آمیز بود که مقامات دولتی وقت به تدریج، استفاده از خدمات ترویجی در فعالیت های غیر آموزشی روستائی را شروع کردند. و همین را هم می توان تفکر اصلی منشأ انحراف خدمات ترویجی از اهداف اساسی اولیه اش، که در واقع مبتنی بر تمرکز بر آموزش برای عمل بود، قلمداد نمود. به سبب چنین انحرافی، خدمات ترویجی ایران متحمل درگیری های جدی اجتماعی و فنی با پی آمدهائی منفی در طول ۶۰ سال گذشته از عمر خود گردیده است. در عین حال، به علت تجربیات «آزمایش و خطا»، مقامات مسؤل پی برده اند که می توان مکتب آموزشی ترویج را به عنوان مناسب ترین رهیافت نه تنها در توسعه کشاورزی که همچنان در توسعه سایر زمینه ها و به ویژه در زمینه توسعه روستائی هم به کار گرفت. از این رو، در دهه های اخیر، خدمات آموزشی ترویج در ایران، افزون بر کشاورزی، به عنوان رهیافتی در توسعه مدیریت منابع جنگل و مرتع و آبخیز و آبیان و نیز، صنایع دستی روستائی و همچنین توسعه روستائی و شرکت های تعاونی هم به کار گرفته می شود. بدین سان، قوانین و مقرراتی وضع شده است تا شاخه های ترویج و آموزش در وزارتخانه ها و مؤسسات مربوط، و اخیراً نیز در برخی از سازمان های غیر دولتی برای توسعه روستائی هم، تأسیس گردد. ولیکن، مکتب آموزش کشاورزی، به عنوان رهیافتی حیات بخش به جریان توسعه ملی، به تقاطع دو راهه ای در مسیر پیشرفت خود رسیده است که یکی از آن ها تداوم نظام ترویج رسمی و متعارفی که از ابتدا تجربه شده است را در بر دارد (و مقاله تاکنون به آن پرداخته) و دیگری، نظام ترویج غیر رسمی است که از ۳۰ سال پیش به توسط نهاد خودجوش جهادسازندگی پی ریزی شده، و در دهه اخیر هم کم و بیش به توسط وزارت جهادکشاورزی پیگیری می شود. زمان و توان زیادی لازم است تا کارائی و اثرگذاری هر یک از دو نظام مذکور را ارزشیابی و تشخیص داد؛ یعنی، پی بُرد که می باید نظام ترویج رسمی شناخته و هم سان سازی شده و متعارف را و یا، نظام غیر رسمی آموزشی ترویج مشارکتی را، به کار گرفت؟